

تاملی پیرامون بازسازی اجتماعی پس از وقایع دیماه ۱۴۰۴

مهدی زارع، عضو هیئت علمی پژوهشکده زلزله شناسی و فعال رسانه ای



پس از جنگ ۱۲ روزه، دشمن بر توسعه خشونت در ایران از طریق دستگاه پروپاگانداي خود متمرکز شد. از سوی دیگر جرقه اصلی اعتراضات، نه صرفاً نفس «اصلاحات»، بلکه نحوه پیاده‌سازی اصلاحات اقتصادی و نادیده گرفتن پیوست‌های اجتماعی در یک ساختار اقتصادی تحت فشار بود.

دولت پزشکیان با رویکردی که خود آن را «جراحی برای نجات» می‌نامید، وارد مسیری شد که شکاف میان سیاست‌گذار و سفره مردم را به اوج رساند. اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ حاصل تلاقی «فشار معیشتی» با «ناامیدی از اثربخشی سریع اصلاحات» بود. دولت زمانی دست به جراحی زد که بدن اقتصاد به دلیل تورم مزمن و تحریم‌ها، دیگر توان بیهوشی و تحمل درد جدید را نداشت. مشکل اصلی دولت پزشکیان در دی ۱۴۰۴ این بود که «عدالت توزیعی» را فدای «انضباط بودجه‌ای» کرد. اگرچه از نظر علم اقتصاد، حذف یارانه‌های پنهان و واقعی‌سازی قیمت‌ها یک ضرورت بود، اما اجرای آن در بستر جامعه‌ای که سال‌ها تحت فشار تورم دو رقمی کمر خم کرده بود، بدون ایجاد چتر حمایتی قدرتمند و اقناع عمومی، ریسک بزرگی بود که منجر به آن وقایع تلخ شد.

شوک درمانی قیمتی و حذف یارانه‌های پنهان اصلی‌ترین محرک اعتراضات بود. تصمیم دولت برای آزادسازی ناگهانی قیمت حامل‌های انرژی و حذف بخش بزرگی از ارزش ترجیحی کالاهای اساسی، برخلاف وعده‌های

انتخاباتی مبنی بر شیب ملایم، دولت تحت فشار کسری بودجه شدید، بلافاصله بر هزینه حمل و نقل و قیمت مواد غذایی اثر گذاشت و نرخ تورم نقطه به نقطه را به اعدادی رساند که برای طبقه متوسط و فرودست غیر قابل تحمل بود. دولت تلاش کرد تا ناترازی در سیستم جبرانی یارانه‌های نقدی را با واریز یارانه معیشتی، برای کاهش فشار جبران کند، اما این راهبرد به دو دلیل شکست خورد. یارانه نقدی معمولاً پس از موج تورمی و با فاصله زمانی واریز می‌شود، که باعث شد قدرت خرید مردم در لحظه وقوع شوک، به شدت سقوط کند. حذف اشتباهی برخی گروه‌ها از لیست یارانه‌بگیران، خشم لایه‌هایی از طبقه متوسط شهری را که خود را زیر خط فقر می‌دیدند، برانگیخت.

سرمایه اجتماعی و اقتناع عمومی مشکل اصلی دولت پزشکیان بود. در دی ماه ۱۴۰۴، بیش از آنکه فنی باشد، ارتباطی بود. گفتمان دولت با زبان آمار و ارقام تخصصی است در حالی که مردم با واقعیت تلخ قیمت‌ها روبرو بودند و هستند. عدم شفافیت در هزینه کرد دولت نتوانست به مردم اطمینان دهد که درآمدهای حاصل از گران‌سازی، صرف تولید یا زیرساخت می‌شود نه جبران سوءمدیریت‌ها. زمان‌بندی بد اجرای طرح‌های ریاضتی در اوج ناترازی گاز و سرمای زمستان، فشار روانی بر جامعه را دوچندان کرد.

دولت پزشکیان تصور می‌کرد با کنترل نرخ ارز می‌تواند تورم را مهار کند، اما اصلاحات اقتصادی -مانند افزایش نرخ حامل‌های انرژی- باعث شد «تورم انتظاری» در جامعه به شدت بالا برود. مردم با پیش‌بینی گران‌تر شدن کالاها در آینده، به سمت بازارهای موازی -طلا و دلار- هجوم بردند که این خود باعث سقوط ارزش پول ملی در میانه جراحی اقتصادی شد.

یکی از بزرگترین انتقادات به تیم اقتصادی دولت، ضعف در اطلاع‌رسانی بود. دستگاه‌های رسانه‌ای رسمی ایران مرجعیت رسانه‌ای را برای گروه‌های وسیعی از جمعیت کنونی ایران از دست داده‌اند. در حالی که صدا و سیما و رسانه‌های رسمی نتوانستند ضرورت این اصلاحات را برای توده‌های مردم تبیین کنند، شبکه‌های اجتماعی مملو از شبه‌خبرهایی مبنی بر چندبرابر شدن قیمت نان و کالاهای اساسی شد. این خلأ خبری، فضای روانی جامعه را پیش از اجرای طرح، آماده انفجار کرد.

در پاسخ به اعتراضات برخی جناح‌های رقیب با نقد تند سیاست‌های دولت، ناخواسته به معترضان چراغ سبز نشان دادند. تجمعات صنف‌های مختلف (مانند بازنشستگان و کارگران) که در ابتدا ماهیت کاملاً صنفی و معیشتی داشت، البته از سوی دولت شنیده شد. ولی به دلیل عدم پاسخگویی سریع مسئولان، و از سوی دیگر فراخوانهایی که از رسانه‌های هوادار اسرائیل برای ۱۸ و ۱۹ دیماه داده شد، به سرعت تغییر ماهیت داد و به شعارهای ساختاری تبدیل شد.

ایجاد یک کمیسیون حقیقت یاب با مأموریت روشن، مستقل و قربانی محور به قربانیان - همه قربانیان حتی کسانی که در اعتراضات مشارکت داشته اند و نزدیکان خود را از دست داده اند - اجازه می دهد تا داستان های خود را بگویند، تا یک سابقه تاریخی ایجاد شود، و بر آن اساس کمیسیون حقیقت یاب بتواند غرامت و نحوه جبران آسیب ها را توصیه کند.

فرآیندهای جامعه محور که بر ترمیم آسیب ها تمرکز دارند و مقصران را ملزم به پذیرش خطا و جبران خسارت می کنند، برکناری افراد مسئول سوء استفاده های شدید از مناصب قدرت و تعیین روزهای ملی یادبود، بناهای تاریخی، موزه ها و فضاهای عمومی تغییر نام یافته می توانند به ایجاد یک خاطره مشترک از گذشته کمک کنند و قربانیان را گرامی بدارند.

ولی کار بنیادی در اصلاحات سیاسی و نهادی باید انجام شود. گفتگوی سیاسی فراگیر و بر مبنای قانون اساسی با تسهیل گفتگوی ملی که شامل همه جناح ها، گروه ها، زنان، جوانان و جامعه مدنی باشد به افزایش سرمایه اجتماعی کمک میکند.

حمایت از رسانه های مستقل که به مثابه «چسب» انسجام اجتماعی هستند و بهبود اجتماعی و اقتصادی همزمان با برنامه های اقتصادی یکپارچه الزامی است. جنگجویان و قربانیان سابق باید در کنار هم در پروژه های اجتماعی کار کنند. بازنگری اساسی در برنامه های درسی برای حذف نفرت پراکنی و آموزش مدنی و تاریخ ملی مشترک لازم است. ایجاد فضاهای امن برای گفتگو، ورزش، هنر و تبادلات فرهنگی به همکاری ساختاریافته برای اهداف مشترک، کمک میکند و خشونت را کاهش می دهد.

ترویج میهن پرستی با پرورش هویت ملی مبتنی بر ارزش های مدنی مشترک به جای قومیت، مذهب یا گذشته ای باشکوه با گو قرار دادن زبان فراگیر ملی بخشی از این فرآیند اجتماعی بازسازی است. هنرمندان، موسیقیدانان، فیلمسازان و روزنامه نگارانی که آثاری تولید می کنند که شکاف ها را از بین ببرند به ترویج دیدگاه صبورانه و بلندمدت کمک میکنند. التیام زخم های عمیق نسل ها طول می کشد و این یک عمل مداوم است.

بهبودی به معنای بازگشت به "وضعیت عادی" قبل از جنگ نیست، زیرا آن وضعیت عادی قبل از فاجعه ممکن است علت درگیری بوده باشد. بهبودی به معنای دگرگونی است - ایجاد نهادهای جدید، روایت مشترک جدید و

حس جدیدی از هویت ملی مبتنی بر احترام متقابل و تعهد جمعی به آینده‌ای صلح‌آمیز سخت‌ترین کاری است که یک جامعه می‌تواند انجام دهد، اما با شجاعت و صبر امکان‌پذیر است. پس از وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴، دولت و حاکمیت برای عبور از بحران و ترمیم رابطه با جامعه، با یک چالش دوگانه روبرو هستند: بقا در مسیر اصلاحات ضروری اقتصادی و بازگرداندن اعتماد آسیب‌دیده عمومی. در بازه زمانی ۱۲ ماهه پیش رو تا پایان سال ۱۴۰۵، چاره کار فراتر از وعده‌های شفاهی است و نیازمند گام‌های عملی در سه سطح «سیاسی»، «اقتصادی» و «ارتباطی» است: اصلاحات اقتصادی با رویکرد «سوزن به خود» مردم زمانی با سختی اصلاحات همراهی می‌کنند که احساس کنند دولت هم در این ریاضت شریک است. دولت باید بودجه سال آینده را کاملاً شفاف عرضه کند. حذف بودجه‌های «نهادهای موازی»، «موسسات فرهنگی بی‌اثر» و «هزینه‌های زائد تشریفاتی» اولین قدم برای نشان دادن صداقت است.

پیش از گران کردن کالاهای عمومی، باید اصلاح ساختاری در شرکت‌های دولتی زیان‌ده و حذف حقوق‌های نجومی در هیئت‌مدیره‌ها به صورت علنی گزارش شود. بازسازی پیوند اجتماعی با پیوست اجتماعی امکان‌پذیر است. سرمایه اجتماعی با دستورالعمل ساخته نمی‌شود، بلکه محصول «شنیده شدن» است. پذیرش حق اعتراض قانونی با ایجاد مکان‌های مشخص و سازوکارهای قانونی برای تجمعات صنفی و مدنی، از تبدیل شدن مطالبات معیشتی به اغتشاشات امنیتی جلوگیری می‌کند.

رئیس‌جمهور و مقامات دیگر باید به جای سخنرانی‌های یک‌طرفه، در جلسات پرسش و پاسخ بدون سانسور با ائتلاف مختلف کارگران، دانشجویان و بازنشستگان شرکت کنند. در شرایط بحران اقتصادی، پافشاری بر مسائل حاشیه‌ای یا سیاست‌های اجتماعی محدودکننده مثل سخت‌گیری‌های اینترنتی یا طرح‌های نظارتی خاص تنها بنزین بر آتش نارضایتی‌هاست.

دولت باید تعهد دهد که در ۱۲ ماه آینده هیچ شوک قیمتی جدیدی وارد نکند. ثبات، مهم‌تر از اصلاح است. تسهیل واردات برای رقابت: کاهش تعرفه واردات در بخش‌هایی که تولید داخلی پاسخگو نیست مثل خودرو یا تکنولوژی، می‌تواند حس بسته بودن فضا را در طبقه متوسط کاهش دهد.

سرمایه اجتماعی در ایران امروز، نه با «وعده تغییر» بلکه با «تغییر در نحوه توزیع رنج و ثروت» بازسازی می‌شود. مردم باید احساس کنند که اگر قرار است سختی بکشند، این سختی برای همه از جمله طبقه حاکم یکسان است و خروجی آن به سمت توسعه زیرساخت‌های ملی و بهبود وضع رفاهی شان می‌رود.

ماخذ: خبر آنلاین، ۱۶ بهمن ۱۴۰۴

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

